

معرفت در دانشگاه اسلامی ۴۶ / سال پانزدهم، شماره ۱ / بهار ۱۳۹۰

Knowledge in Islamic University, 2011 (Spring) 46, Vol. 15, No.1

راهکارهای اسلامی شدن دانشگاه‌ها و اولویت‌بندی آنها با رویکردی به دیدگاه استادان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

سیف‌اله فضل‌الهی^۱

سید رضا زمانی ده‌یعقوبی^۲

چکیده

هدف: هدف تحقیق حاضر، شناسایی و طبقه‌بندی راهکارهای اسلامی شدن دانشگاه‌ها بر اساس دیدگاه استادان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم بوده است. **روش:** روش تحقیق علاوه بر تحلیل اسنادی منابع، توصیفی از نوع پیمایشی و همبستگی است. جامعه آماری شامل کل استادان شاغل به تدریس دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم در نیمسال دوم سال تحصیلی ۸۹-۸۸ است که از بین آنان نمونه‌ای به حجم ۸۰ نفر به صورت تصادفی طبقه‌ای انتخاب شد. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه‌ای حاوی تعداد ۱۵ راهکار به همراه یک سؤال باز پاسخ بود که از آزمودنی‌ها می‌خواست پس از مطالعه هر راهکار، به تناسب اهمیت، از ۱ تا ۵ نمره‌گذاری کنند. اعتبار صوری پرسشنامه با نظرات مشورتی متخصصان موضوع انجام شده است. **یافته‌ها:** نشان داد از اولویت‌دارترین راهکارها به ترتیب می‌توان به: ۱. به کارگیری مدیران متعهد، متدین و حساس به مبانی و ارزش‌های اسلامی برای اداره دانشگاه‌ها؛ ۲. بازسازی نظام فرهنگی دانشگاه‌ها متناسب با ارزش‌های اسلامی، به همراه احیای سنت بحث آزاد و ایجاد فضای سالم و امن برای طرح مباحث فرهنگی - اجتماعی و سیاسی؛ ۳. توسعه استقلال فکری و خودباوری علمی اندیشمندان و دانشگاهیان؛ ۴. تجدید نظر در معیارهای جذب و گزینش دقیق و سازمان‌یافته استادان و ارتقای ینش سیاسی و اجتماعی اعضای هیئت علمی؛ ۵. تئین و ایجاد اجماع بر روی شاخص‌های دانشگاه اسلامی بین اندیشمندان و بازسازی بنیادین نظام آموزشی و پژوهشی متناسب با ارزش‌های مذهبی جامعه اشاره کرد. همچنین بین رتبه‌بندی استادان دروس معارف اسلامی، استادان سایر دروس دانشگاهی، علوم انسانی و علوم پایه، همبستگی معنی‌داری در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($\alpha = 0.01$) ملاحظه نشد. **نتیجه‌گیری:** به نظر می‌رسد اجماع کامل بین اندیشمندان حوزه‌های مختلف علمی، به خصوص استادان دروس حوزوی، استادان علوم انسانی، مدرسان علوم پایه و ... اتفاق نظر در خصوص چگونگی فرایند عملیاتی شدن مسئله وجود ندارد و بسیاری از استادان هنوز به حل مسئله اعتقاد راسخ ندارند. بنابراین، مسئله «اسلامی شدن» باید به یک فرهنگ عمومی و تلقی «اسلامی شدن دانشگاه‌ها» به عنوان وظیفه انحصاری سازمان یا نهاد خاصی به یک ارزش اجتماعی مبدل شود.

واژگان کلیدی: اسلامی شدن دانشگاه‌ها، راهکارها، استادان دانشگاه آزاد اسلامی.

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۹/۱۲/۳۳

* تاریخ دریافت: ۸۹/۸/۱

۱. دانشجوی دکتری علوم تربیتی، عضو هیئت علمی گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم (نویسنده مسئول) / آدرس: قم، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده علوم انسانی / نمابر: ۰۲۵۱-۷۷۴۷۷۰۰ / Email: Fazlollahigh@yahoo.com
۲. دانشجوی دکتری معارف اسلامی، عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه تربیت معلم تهران / Email: sr_zamani40@yahoo.com

مقدمه

دانشگاه در جریان گسترش نظام سرمایه‌داری به همراه سایر پدیده‌هایی که خاستگاه آنها غرب است، به جوامع دیگر از جمله ایران منتقل شد و در طول زمان به صورت بخشی از ساختار این جوامع درآمد. در فرایند این انتقال، اگر چه به تناسب شرایط ساختاری، کارکردهای دانشگاه در محیط اجتماعی بزرگ‌تر تغییر یافت، اما مؤلفه‌های فرهنگی آن تغییر چندانی نکرد و با وجود اینکه دانشگاه در توسعه و نوسازی، تربیت کادر رهبری و تغییر سیاسی نقش دارد و تحصیلات دانشگاهی به نماد وجهه و منزلت و ارزشهای اجتماعی و به یک ایدئولوژی تبدیل می‌شود، با این حال آنچه به صورت تثبیت شده در حیات دانشگاهی استقرار دارد، ارزشها و باورهای مرتبط با علم است (عطارزاده، ۱۳۸۷، ص ۲۴). ایجاد دانشگاهها در جامعه ما ناشی از عوامل برون‌زا بوده و متأسفانه بین نهاد علم و آموزش عالی و ارزشها و هنجارهای حاکم بر آن و سایر نهادهای اجتماعی (دینی، اقتصادی، سیاسی و...) پیوند متعادلی ایجاد نشده است و این باور در بسیاری از صاحب‌نظران و مدعیان ارزشهای عام شکل نگرفته است که نظام آموزش عالی برای تحقق کارکردهای علمی‌اش باید نظام ارزشی و هنجارهای خاص خود را داشته باشد.

یکی از کارکردهای دانشگاه‌ها علاوه بر تولید دانش، فرهنگ‌سازی و ارائه خدمات، توسعه فرهنگ عمومی جامعه است (کاشانی، ۱۳۸۴، ص ۱۶). فرهنگ نیز بیانگر روش زندگی افراد جامعه است که بر اساس یک فلسفه مسلط اجتماعی و از طریق تعامل بین انسانها شکل گرفته، توسعه یافته و به نسلهای بعدی منتقل شده است و به یقین، نهادهای اجتماعی به ویژه دانشگاه‌ها، رسالتی جز توسعه فرهنگی به عنوان مهم‌ترین رکن توسعه همه‌جانبه برای داشتن انسانهای سالم از نظر جسمانی و روانی و کاربلد و ماهر برای ارتقای شیوه زندگی ندارند. لذا شکی نیست که ترویج هر چه بیشتر آموزه‌های دینی و فراگیر کردن امور فرهنگی و گسترش دامنه شمول آن و جذب و تأثیرگذاری هر چه بیشتر بر مخاطبان از مهم‌ترین دغدغه‌های مجموعه‌ها و دست‌اندرکاران و فعالان حوزه‌های فرهنگ و اندیشه به خصوص مراکز علمی و دانشگاهی است و به طور حتم یکی از عوامل آسیب‌زا در حوزه شخصیت اخلاقی و ایمان مذهبی جوانان، به خصوص قشر اندیشمند و فرهیخته دانشجوی، روشهای ناکارآمد و ارائه نادرست برنامه‌های فرهنگی در دانشگاه‌ها در راستای تحکیم ارزشها و باورهای فرهنگی متأثر از فلسفه اجتماعی است؛ امری که تحت عنوان انقلاب فرهنگی از همان آغاز شکل‌گیری نظام اسلامی در سال ۱۳۵۷ پایه‌گذاری شده و با هدف اسلامی کردن دانشگاه‌ها برای تحقق دغدغه‌های پیش‌گفته تلاش می‌کند تا از یک طرف، دانشگاه‌ها را مستقل و بومی کرده و عزت و اقتدار دانشمندان را حفظ

راهکارهای اسلامی شدن دانشگاهها و اولویت‌بندی آنها با رویکردی ... ♦ ۱۲۱

کند و از طرف دیگر، تأثیرگذاری آن بر فرهنگ و روش‌های زندگی را بر مبنای فرهنگ واقعی و اصیل اسلامی - ایرانی از طریق ابزارهای در اختیار خود (دانش و الگوهای رفتاری مدیران، استادان، کارکنان و مخاطبان) درون‌زا کنند تا در فرایند اجتماعی شدن، در خدمت تربیت انسانهای سالم، ماهر، متخصص، توانمند و بومی شده باشند و برای توسعه پایدار و همه‌جانبه جامعه تلاش کند. تحقیق حاضر در صدد است راهکارهای مناسب و عملی را برای تحقق دانشگاه اسلامی که با تمام وجود و ارکان خود، مبادی فرهنگ جامعه باشد، بر اساس دیدگاه استادان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم شناسایی و به ترتیب اهمیت، اولویت‌گذاری کند.

بیان مسئله

رسالت اصلی دانشگاه در هر جامعه‌ای، آموزش نیروی انسانی متخصص و تأمین بُعد تخصصی زندگی اجتماعی آنان از طریق تولید دانش تخصصی، جامعه‌پذیری، فرهنگ‌پذیری، رشد و پرورش شخصیت، تغییر و تحول، انتظام، انسجام و وحدت، پرورش سیاسی و... است که از طریق پوشش نیازهای رشد و توسعه و بهبود شرایط زندگی با بهره‌گیری از دانش بومی شده متناسب با فرهنگ مسلط اجتماعی (دین و فرهنگ) و تأثیرگذاری به واسطه داشتن اندیشمندان و نظریه‌پردازان علمی و کادر هیئت علمی خود می‌کوشد با برخورداری از انسانهای توانمند و سالم و آشنا به دانش‌های بنیادین، ارزش‌های اجتماعی و نمادهای فرهنگ اسلامی، در عین اشاعه و مبادی آداب، زمینه‌ساز توسعه پویا، جامع، درون‌زا و مبتنی بر داشته‌ها و آرزوهای خود باشد. در این بین، کارکرد آنهايي خوب است که بتوانند بین نیازهای مخاطبان، بهره‌برداران و جامعه در تمام ارکان خود، از نظر دانش، بینش و توانش، تعادل برقرار کنند و به یقین دور از انتظار نیست که اکنون به واسطه استقرار نگرش دینی متأثر از اسلام بر ارکان جامعه ایران، دانشگاهها نیز با مجهز کردن خود به ویژگی‌های مذکور، در تحقق جامعه اسلامی به معنی واقعی کلمه، نقش فعالی بر عهده بگیرند و پرچمدار این تحول باشند. لذا استقرار دانشگاه اسلامی، به نظر امری مهم و ضروری است و نیز اتخاذ تدابیر و راهکارهای مناسب، مؤثر، کم‌هزینه، زودبازده و تضمین‌کننده برای عملی شدن آن، بسیار اساسی است. در این تحقیق، دغدغه اصلی دسترسی به راهکارهای عملی و اولویت‌بندی شده برای تحقق دانشگاه اسلامی، با مراجعه به دیدگاهها و تجارب استادان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم است.

اهداف و سؤالات ویژه تحقیق

مهم‌ترین اهداف تحقیق عبارت بودند از:

۱۲۲ ♦ فصلنامه معرفت در دانشگاه اسلامی ۴۶ / سال پانزدهم، شماره ۱ / بهار ۱۳۹۰

۱. شناسایی راهکارهای مناسب و عملی برای حرکت به سمت دانشگاه اسلامی؛
۲. اولویت‌بندی راهکارهای مناسب از دیدگاه استادان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم؛
۳. جلب توجه و حساسیت مدیران و برنامه‌ریزان آموزش عالی نسبت به ضرورت مسئله؛
۴. تحلیلی ساده بر موانع و راهکارهای تبیین شده؛
۵. مقایسه دیدگاه استادان دروس معارف اسلامی با رشته‌های علوم انسانی و علوم پایه.

سؤالات تحقیق بر مبنای اهداف مذکور، چنین طراحی شد:

۱. چه راهکارهای مفیدی برای اسلامی شدن دانشگاهها وجود دارد که در عین سادگی و سهولت بتوان مورد استفاده قرار داد؟
۲. با توجه به تجارب استادان دانشگاه آزاد اسلامی، دیدگاه آنان در این زمینه چیست و کدام راهکارها را در اولویت می‌دانند؟
۳. آیا به کارگیری روشهایی مانند تفکیک جنسیتی دانشگاهها، جداکردن دانشجویان دختر و پسر و اعمال الزاماتی برای رعایت موازین شرعی و حمایت از ارزشهای دینی و معنوی، از جمله: اجبار در رعایت حجاب، بر پا داشتن نماز و... راه مناسبی است؟
۴. آیا افزایش واحدهای درسی مربوط به دروس معارف اسلامی، ارتقای بینش فکری و اجتماعی استادان و دانشجویان و تدوین متون درسی بر اساس آموزه‌های اسلامی و بومی کردن علوم انسانی، می‌تواند در داشتن دانشگاه اسلامی مفید باشد؟
۵. آیا بازسازی نظام فرهنگی و توسعه استقلال فکری و رهیدن از وابستگی به غرب، در این زمینه مؤثر است؟
۶. تأمین و تربیت استادان، مدیران متعهد و دارای احساس دینی و به کارگیری آنان در اداره دانشگاهها و تجدید و بازسازی معیارهای گزینش و اعمال دقیق آن برای استخدام، چه نقشی می‌تواند در تحقق این مهم داشته باشد؟
۷. تبیین معیارهای یک دانشگاه اسلامی و ایجاد اجماع روی این معیارها در بین صاحب‌نظران و متخصصان، تا چه حد در تحقق دانشگاه اسلامی مؤثر است؟

راهکارهای اسلامی شدن دانشگاهها و اولویت‌بندی آنها با رویکردی ... ♦ ۱۲۳

۸. آیا بین دیدگاه استادان دروس معارف اسلامی و سایر رشته‌های دانشگاهی در اولویت‌بندی راهکارها، رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد؟

۹. آیا همبستگی معنی‌داری بین رتبه‌بندی راهکارها به وسیله‌ی استادان علوم انسانی و استادان معارف اسلامی وجود دارد؟

۱۰. آیا بین رتبه‌بندی استادان علوم انسانی و علوم پایه در خصوص راهکارها، همبستگی معنی‌داری وجود دارد؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، مطالعه‌ی کاربردی و از لحاظ شیوه‌ی جمع‌آوری اطلاعات، توصیفی از نوع پیمایشی-همبستگی است. جامعه‌ی آماری شامل همه‌ی استادان شاغل به تدریس دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم در نیمسال دوم سال تحصیلی ۸۹-۸۸ است که بر اساس اعلام مسئولان، حدود ۴۵۰ نفر بودند. نمونه‌ی آماری شامل تعداد ۸۰ نفر از استادان بودند که ابتدا بر اساس روش تصادفی طبقه‌ای و به نسبت مساوی از بین استادان دروس معارف اسلامی دارای مجوز تدریس از معاونت امور استادان نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها و استادان سایر رشته‌های دانشگاهی در گروههای علوم انسانی، علوم پایه، فنی و مهندسی و پزشکی، تعیین و سپس به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه‌ی محقق‌ساخته حاوی تعداد ۱۵ راهکار و یک سؤال بازپاسخ بود که پس از منبع‌شناسی و مطالعه‌ی مقاله‌های علمی موجود، با همکاری متخصصان صاحب‌نظران جمع‌بندی، ویرایش و اعتباریابی صورتی، تنظیم شده بود و آزمودنی‌ها را به دادن نمره به ترتیب اهمیت در یک طیف ۱ تا ۵ نمره‌ای دعوت می‌کرد. برای جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه به تعداد نمونه‌ی آماری تکثیر و با مراجعه‌ی مستقیم بین آزمودنی‌ها توزیع و همزمان جمع‌آوری شد. پس از جمع‌آوری، پرسشنامه‌ها بررسی و تعدادی که ناقص و غیر قابل استفاده بودند، کنار گذاشته شدند و در مجموع، ۵۴ مورد از آنها در تجزیه و تحلیل استفاده شد. در تجزیه و تحلیل اطلاعات، از آمار توصیفی برای تعیین میانگین، درصد، ضریب همبستگی اسپیرمن براون و آمار استنباطی در حد آزمون T کندال برای مشخص کردن معنی‌داری رابطه‌ی بین رتبه‌بندی استادان گروههای مختلف علوم انسانی، علوم پایه، معارف اسلامی و... استفاده شده است.

ادبیات و پیشینه تحقیق

دانشگاه مدرسه‌ای با هدف ترویج و ارتقای سطح دانش و تربیت نیروی انسانی برای ارائه آموزش و انجام تحقیقات است که از مجموعه دانشکده‌ها و مراکز تحقیقاتی شکل می‌گیرد (عیوضی، ۱۳۸۱، ص ۱۶). ریشه شکل‌گیری آن از مدارس اسلامی و از دانشمندان اسلامی بوده (سعدی، ۱۳۷۷، ص ۴۱) و سابقه تأسیس آن به قرنهای یازدهم و دوازدهم، همزمان با ایجاد دانشگاه پزشکی در ایتالیا و چند دانشگاه دیگر در فرانسه و انگلستان و اسپانیا برمی‌گردد (همان، ص ۴۲). در ایران، اولین مدرسه مدرن با تأسیس دارالفنون در سال ۱۲۶۸ ق. شکل گرفت و زمینه ایجاد دانشگاههایی چون دانشگاه تهران را در سال ۱۳۱۳ با مجوز مجلس شورای ملی فراهم کرد (همان، ص ۴۵). امروزه کارکرد اصلی دانشگاهها، آموزش، پژوهش، تربیت نیروی انسانی متخصص و ماهر و توسعه فرهنگی جامعه است؛ ولی رویکرد اصلی آنها در ایران، آموزش بوده و توفیق چندانی در تولید دانش و توسعه فرهنگ عمومی نداشته‌اند (قورچیان و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۹). آنها با برخورداری از محیطی مستقل، آزادگی علمی و ثبات شغلی، سعی در تولید دانش، فرهنگ‌سازی و ارائه خدمات دارند (پورعزت و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۱۰) و هدف اصلی آنها، توسعه اطلاعات (شخصیت‌سازی)، توسعه مهارتها (ایجاد ارزش افزوده)، توسعه شخصیت (دگرگونی) و خلاقیت و تفکر (شکوفایی استعداد) بوده و ابزار اصلی برای تأثیرگذاری بر فرهنگ و شخصیت افراد، فقط اطلاعات و الگوهای رفتاری هستند و به عنوان یک سیستم نرم و فرمان‌ناپذیر اجتماعی، مدیریت پیچیده و سختی دارند. نحوه تعامل و ارتباط آنها متفاوت از دستگاههای تولیدی و صنعتی است و در آنها، انسانها گنجهای پنهان و قیمتی محسوب می‌شوند که کار اصلی، کشف این ارزشها و توسعه آنهاست.

دانشگاهها در حال حاضر با چالشهای زیادی از جمله تغییر ترکیب جمعیتی دانشجویان و افزایش سهم زنان در آن، افزایش تنوع نقش آنها در سیاست، فرهنگ و فناوری، هماهنگی بین آموزشها و مشاغل برای تسریع اشتغال، تعارض بین نظام آموزش کلاسیک و نظام آموزش مبتنی بر پژوهش، محوریت پژوهش و ضرورت پاسخگو بودن به نیازهای ملموس جامعه، تمایل به واردات فکر به جای بومی‌سازی دانش، ضرورت تسریع آموزشهای مجازی و استفاده از فناوری ارتباطات ماهواره‌ای، تنوع در منابع مالی و کاهش تکیه بر منابع دولتی و لزوم تغییر ساختاری مطابق تحولات بنیادی در روابط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی روبه‌روست (قورچیان و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۳۶۲) و به طور قطع در این فرایند، ایجاد تعادل بین نیازها و الزامات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نیز امری جدی و مورد توجه خواهد بود. لذا در موقعیت فعلی به نظر می‌رسد رسالت و دغدغه دانشگاههای ما بیش از دیگر دانشگاهها باشد که با ایجاد ساختارهای پویا و

راهکارهای اسلامی شدن دانشگاهها و اولویت‌بندی آنها با رویکردی ... ♦ ۱۲۵

خوداصلاحگر، کارکردهای خود را با محیط اسلامی و ارزشی تطبیق دهند و زمینه را برای تحقق دانشگاه اسلامی فراهم کنند.

دانشگاه اسلامی

موضوع اسلامی شدن دانشگاهها در ایران، در سال ۱۳۵۹ همزمان با شروع انقلاب فرهنگی آغاز شد (خان‌محمدی، ۱۳۸۵، ص ۸۶). امام خمینی (ره) معنای اسلامی شدن را چنین بیان می‌فرماید: «معنای اسلامی شدن دانشگاهها این است که استقلال پیدا کند و خودش را از وابستگی به غرب جدا کند و خود را از وابستگی شرق جدا کند و یک کشور مستقل و دانشگاه مستقل و یک فرهنگ مستقل داشته باشیم». (زراعت، ۱۳۷۶، ص ۵۳)

مراد از اسلامی شدن این است که تمامی عناصر دانشگاه، همسو و هم‌جهت با ارزشها و ایده‌های اسلامی باشند یا حداقل در تعارض با الگوها، ارزشها و آرمانهای والای الهی - انسانی نباشند (خادمی، ۱۳۸۱، ص ۸۰). بر این اساس، اسلامی شدن به معنای تحمیل یک حاکمیت، طبقه یا صنف خاص نیست، بلکه عین ساختن دانش‌اندوزی با آداب معنوی و ارزشهای دینی و انسانی در جامعه علمی است و به معنای مبارزه با انحرافات جامعه علمی، جلوگیری از تبدیل دانشمندان به عناصری بدون احساس عاطفی و تعهد دینی و دمیدن روح استقلال در جامعه علمی کشور است. باید روح دانشگاهها اسلامی باشد و آرمانها، اهداف و خلق و خوی آن اسلامی و ظاهر آن اصلاح شود؛ هر چند ظاهر، شرط لازم است، ولی کافی نیست. (عیوضی، ۱۳۸۱، ص ۲۱)

دانشگاه اسلامی دانشگاهی است که هدف آن، هدفهای اسلامی و دینی باشد و ارکان آن را نیروهای مؤمن و متعهد تشکیل بدهند و ارزشها نیز در اولویت باشند (زراعت، ۱۳۷۶، ص ۵۴). در دیدگاه دیگری، دانشگاه اسلامی همچون جامعه اسلامی، جایی است که ارزشهای حاکم در آن اسلامی باشند و اگر اصول تعبدی و اعتقادی و علمی اسلام در محیط دانشگاه به صورت ارزش درآمد، آن دانشگاه اسلامی است. (علم‌الهدی، ۱۳۸۲، ص ۲۷)

فرایند اسلامی شدن دانشگاهها با وجود گذر از فراز و نشیبهای فراوان، هنوز هم از حیث نظری و تحلیلی و هم به لحاظ علمی، با پرسشهای بسیاری روبه‌روست (قورچیان و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۴۳۵). دانشگاه اسلامی رویکردی است که می‌تواند در ارتقای فرهنگ دینی از طریق ارائه الگویی توأمان از علم و دین، دمیدن روحیه تعهد و الزام اجتماعی در میان دانشجویان و پژوهشگران برای بهره‌مندی از معرفت و افزایش

۱۲۶ ♦ فصلنامه معرفت در دانشگاه اسلامی ۴۶ / سال پانزدهم، شماره ۱ / بهار ۱۳۹۰

مسئولیت‌پذیری، جهت‌دهی درسهای پنهان نظام دانشگاهی به سوی ارزشهای متعالی دینی و ارتقای فرهنگ عمومی آنان، فضا سازی علمی مطلوب برای ارائه راهکارهای عملی برای فائق آمدن بر اختلافات، بازسازی تمدن اسلامی در پرتو توسعه علمی و با حضور نظری و فیزیکی دانشگاهیان تأثیر داشته باشد. (قمی، ۱۳۸۱، ص ۲۰۱)

از دیدگاه موافقان ضرورت انقلاب فرهنگی و جدی گرفتن ادامه فعالیت آن در قالب حرکت اسلامی کردن دانشگاهها، ارج نهادن و پاسداری از رشد و تکامل در پرتو این حرکت فرهنگی و لزوم تبیین ضعفها و ترسیم برنامه‌هایی برای آینده، از دلایل تداوم این کار است. اما مخالفان معتقدند این کار به عنوان نوعی قشری‌گری، فرصت‌طلبی، انحصارطلبی و گروه‌گرایی بوده و انقلاب فرهنگی را زیان‌بار کرده، اسلامی کردن را حرکتی برای بی‌رقیب کردن حاکمیت و در راستای ارضای حفظ ظاهرپسندی قشریون مذهبی، تحقیر دانشگاهها و کادر علمی تلقی می‌کنند (گروه مطالعات معاونت پژوهشی نهاد رهبری در دانشگاهها، ۱۳۷۶، ص ۹۹). البته هنوز هم موانعی درونی؛ مانند فضای فکری و ذهنی ارکان دانشگاهها و موانع بیرونی؛ مانند تهاجم فرهنگی و فقدان برنامه‌ریزی (بانسی، ۱۳۸۹، ص ۳۵)، ابهام در ارزشها و حدود وظایف فقهی و حقوقی (مقیسه، ۱۳۸۴، ص ۸۹)، افراط و تفریط در قلمرو آزادی، به کار گماری استادان و مدیران فاقد تعلق دینی و حساسیت مذهبی در صدر امور، علم‌زدگی و عنوان‌گرایی و دوری از واقع‌نگری و دین‌محوری در دانشگاهها وجود دارد که لازم است با تدوین راهبردهای کلان، جامع، علمی و مؤثر، راه را برای تحقق اهداف هموار کرد که البته مستلزم پرداختن به راهکارهای عملی، علمی و مبتنی بر واقعیات موجود دانشگاههاست. در همین راستا، این مقاله درصدد دسترسی به این مهم از طریق واکاوی نظریه‌های موجود و تبیین دیدگاه استادان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم برآمده است.

پیشینه عملی تحقیق

بررسی‌ها نشان می‌دهد تحقیقات توصیفی زیادی در مورد راهکارهای اسلامی شدن دانشگاهها انجام نشده است و کارهای انجام‌شده اغلب به صورت مطالعات کتابخانه‌ای، سعی در تبیین دیدگاهها و موانع و چالشهای پیش‌رو داشته‌اند که در ذیل به تعدادی از آنها اشاره می‌شود.

مروتی (۱۳۷۶، ص ۱۲) در مقاله خود با عنوان «از دانشگاه تا دانشگاه اسلامی»، برگزاری همایشها، گردهمایی‌ها برای تبیین دقیق موضوع و تزریق نیروهای متعهد، معتقد به دانشگاهها، به خصوص مدیریت مراکز آموزش عالی، دقت در گزینش و سازماندهی استادان، تغییر در ساختار آموزشی، پژوهشی و اداری

راهکارهای اسلامی شدن دانشگاهها و اولویت‌بندی آنها با رویکردی ... ♦ ۱۲۷

و طرد نیروهای دگراندیش از مسئولیتها را به عنوان برنامه‌های کوتاه‌مدت و تربیت استادان متعهد، اصلاح منابع بر اساس منابع اسلامی و ایمن‌سازی و مصونیت فرهنگی، برنامه‌ریزی فرهنگی و نهادینه کردن ارزشها را از راهکارهای بلندمدت اسلامی شدن دانشگاهها بیان می‌کند.

باقرآبادی (۱۳۷۶، ص ۶۳) در مقاله «راهکارهای عملی اسلامی شدن دانشگاهها» مهم‌ترین راهکارها را در گزینش رؤسا و کادر هیئت علمی، بازنگری متون درسی و جهت دادن به تحقیقات، جدیت در انجام مراسم عبادی از جمله نماز و حجاب و جلوگیری از اختلاط دانشجویان دختر و پسر می‌داند.

گروه مطالعاتی معاونت پژوهشی نهاد رهبری در دانشگاهها (۱۳۷۶، ص ۹۶-۹۲) در «تحلیلی بر اسلامی کردن دانشگاهها»، بر استفاده از افراد صاحب‌نظر و متمرکز برای برنامه‌ریزی عملی و منطقی، اجتناب از اندیشه انتزاعی، واقع‌بینی و توجه عملی به شرایط و امکانات، استفاده از تبلیغات صحیح، جلوگیری از ارباب و تهدید دانشجویان و دانشگاهیان از طریق امر به معروف و نهی از منکر کمیته انضباطی و گزینش تأکید می‌کنند.

زراعت (۱۳۷۶، ص ۵۲) در مقاله «راههای اسلامی کردن دانشگاهها»، ایجاد فرهنگ اخلاص و تحصیل برای خدا، پرهیز از مدرک‌گرایی، تجدید نظر در دروس و رشته‌ها مطابق با منابع شرعی و اسلامی، نظارت و کنترل جزوات درسی، گزینش استادان، دانشجویان و کارکنان، انتخاب و انتصاب افراد متخصص و متعهد در مدیریت دانشگاهها، افزایش اعتبارات، وحدت حوزه و دانشگاه و احیای سنت اسلامی بحث آزاد برای ارائه افکار و عقاید را به عنوان راهکارهای مناسب معرفی کرده است.

تقوی مقدم (۱۳۷۶، ص ۳۷) در مقاله «اولویت‌گذاری در برنامه کوتاه‌مدت اسلامی شدن دانشگاهها»، مهم‌ترین راهکار را تربیت استاد به دلیل تأثیراتش در ابعاد مختلف دانشگاه می‌داند.

خادمی (۱۳۸۱، ص ۹۳) در مقاله «نقش دانشجویان در اسلامی شدن دانشگاهها»، تغییر بنیادی در همه ابعاد دانشگاه و مسئولیت‌پذیری همه ملت و دولت را امری قابل تحقق برای عملی شدن و خروج از شعار می‌داند.

عیوضی (۱۳۸۱، ص ۱۳) در مقاله «قطره‌ای از دریا»، دو رکن اصلی دانشگاه؛ یعنی دانشجو و استاد را در ایجاد دانشگاه اسلامی و به منصفه ظهور رسانیدن اهداف متعالی اسلام و رعایت تعلیم و تزکیه بسیار مهم دانسته است.

۱۲۸ ♦ فصلنامه معرفت در دانشگاه اسلامی ۴۶ / سال پانزدهم، شماره ۱ / بهار ۱۳۹۰

علی احمدی (۱۳۸۱، ص ۲۳) در مقاله «مفهوم و ماهیت دانشگاه اسلامی»، از عوامل اصلی عدم توفیق ستاد انقلاب فرهنگی را در سالیان گذشته، اکتفا به ظواهر دینی، پرداختن صرف به تهذیب، گرداندن مساجد و غفلت از آموزش عمیق و تخصصی دین می‌داند.

دژاکام (۱۳۸۲، ص ۶۱) در مقاله «برداشت‌های گوناگون از دانشگاه اسلامی»، فقدان تلقی واحد از دانشگاه اسلامی، فقدان نظریه‌پردازی علمی، فقدان وحدت منطقی و مبنایی بین حوزه و دانشگاه، فقدان همپوشی، تعامل و روابط واقع‌بینانه بین علم و دین را از موانع شکل‌گیری دانشگاه اسلامی معرفی کرده است.

مقیسه (۱۳۸۴، ص ۱۰۰) در مقاله‌ای، وجود ابهام در برخی از ارزشها و حدود و وظایف فقهی و حقوقی و نیز ضرورت توجه فضای اجتهادی حوزه‌های علمیه علت این امر دانسته است.

بهداروند (۱۳۸۴، ص ۵۹)، اطلاع‌رسانی صحیح به همراه تهییج و تحرک انگیزه‌های پاک عناصر سه‌گانه دانشجوی، استاد و مدیر و نیز بررسی ریشه‌ای و علمی موانع و مشکلات و ارائه راهکارهای بنیادین و تبلیغات اثربخش را راهکارهای مناسب اسلامی شدن معرفی می‌کند.

خان‌محمدی (۱۳۸۵، ص ۸۳) در مقاله «فرایند اسلامی کردن دانشگاهها در ایران»، ضرورت اجماع به سرشاخص‌های اسلامی شدن، اعمال مدیریت واحد و توجه به مؤلفه‌های سیستم آموزشی، محتوای آموزشی، مدیریت، استادان، دانشجویان و فضای دانشگاه را از راه‌حلهای مناسب تحقق این مهم می‌داند.

اخوان‌کاظمی (۱۳۸۲، ص ۲۲) طی مقاله‌ای، زدودن موانع، تأکید بر سیاست شایسته‌سالاری، تقویت علوم انسانی و جنبش تولید علم، حل مشکلات معیشتی استادان، تحکیم و ترویج ارزشهای اسلامی و انقلابی و تضعیف ارزشهای غربی به عنوان راهکاری مناسب دانسته است.

نویسی (۱۳۸۲، ص ۴۶)، راهکارهای اسلامی شدن دانشگاهها را تکیه بر اصول مدیریت اسلامی، بهینه‌سازی مدیریت دانشگاهها، تربیت دانشجویان متناسب با ارزشهای انقلاب اسلامی، اصل تحوّل ساختاری متون درسی و گزینش استادان و پرهیز از سیاست‌بازی معرفی کرده است.

بانسی (۱۳۸۹، ص ۸۰-۸۳) در مقاله «راهکارهای اسلامی شدن دانشگاهها»، طی مطالعه‌ای توصیفی - پیمایشی نشان داد که مدیریت صحیح منابع و محتواهای دانش بر اساس توانمندی‌های علوم انسانی و اسلامی بومی، بر اسلامی شدن دانشگاهها می‌افزاید و غنی‌سازی محتوای برنامه‌های فرهنگی - آموزشی و دانشجویی، مطابق با بینش سیاسی، اجتماعی و اسلامی، فرایند اسلامی شدن را تسریع می‌بخشد. این مطالعه،

راهکارهای اسلامی شدن دانشگاهها و اولویت‌بندی آنها با رویکردی ... ♦ ۱۲۹

نقش بازسازی فرهنگی، آموزشی و پژوهشی مناسب با ارزشهای اسلامی و تعامل علمی بین حوزویان و دانشگاهیان را چندان اثربخش نمی‌نمایاند.

تجزیه و تحلیل اطلاعات

جدول ۱: ویژگی‌های جمعیتی گروه نمونه مورد مطالعه

متغیر	سطوح	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
جنسیت	مرد	۴۷	۸۷	۸۷
	زن	۷	۱۳	۱۰۰
سن	زیر ۳۰ سال	۳	۵	۵
	۳۰-۴۰	۱۶	۳۰	۳۵
	۴۰-۵۰	۲۲	۴۱	۷۶
	۵۰ بالاتر	۱۳	۲۴	۱۰۰
رشته تحصیلی	علوم انسانی	۴۲	۷۸	۷۸
	علوم پایه	۷	۱۳	۹۱
	علوم پزشکی	۲	۴	۹۵
	علوم فنی و مهندسی	۳	۵	۱۰۰
سطح تحصیلات دانشگاهی و سطح تحصیلات حوزوی	کارشناسی ارشد	۲۷	۴۶	۴۶
	دکتری	۱۶	۲۸	۷۴
	سطح سه	۸	۱۴	۸۸
	سطح چهار	۷	۱۲	۱۰۰
مجوّز تدریس استادان دروس معارف اسلامی	الهیات و معارف اسلامی	۱۲	۴۰	۴۰
	اخلاق اسلامی	۳	۱۰	۵۰
	تاریخ اسلامی	۴	۱۳	۶۳
	سایر رشته‌ها	۱۱	۳۷	۱۰۰
مرتبه علمی	مربی	۳۱	۵۷	۵۷
	استادیار	۱۷	۳۲	۸۹
	دانشیار	۴	۷	۹۶
	استاد	۲	۴	۱۰۰

۱۳۰ ♦ فصلنامه معرفت در دانشگاه اسلامی ۴۶ / سال پانزدهم، شماره ۱ / بهار ۱۳۹۰

داده‌های جدول ۱، توزیع ویژگی‌های جمعیتی نمونه مورد مطالعه را نشان می‌دهد. از نظر جنسیت، ۸۷ درصد (۴۷ نفر) مرد و ۱۳ درصد (۷ نفر) زن هستند. از لحاظ سنی، ۴۱ درصد (۲۲ نفر) بین ۵۰-۴۰، ۲۴ درصد (۱۳ نفر) ۵۰ به بالا، ۳۰ درصد (۷ نفر) بین ۴۰-۳۰ و پنج درصد (۳ نفر) کمتر از ۳۰ سال سن دارند. رشته تحصیلی ۷۸ درصد از آنان (۴۲ نفر) علوم انسانی، ۱۳ درصد (۷ نفر) علوم پایه، پنج درصد (۳ نفر) فنی و مهندسی و چهار درصد (۲ نفر) پزشکی است. از علوم انسانی، ۷۱ درصد (۳۰ نفر) استاد دروس معارف اسلامی هستند که با مجوز نهاد رهبری در دانشگاهها، در دانشگاه آزاد تدریس می‌کنند. سطح تحصیلات، ۴۶ درصد (۲۷ نفر) کارشناسی ارشد، ۲۸ درصد (۱۶ نفر) دکتری، ۱۴ درصد (۸ نفر) سطح سه و ۱۲ درصد (۷ نفر) سطح چهار حوزه علمیه است. ۴۰ درصد از استادان درس معارف اسلامی، ۱۰ درصد (۳ نفر) اخلاق اسلامی، ۱۳ درصد (۴ نفر) تاریخ اسلام و ۳۷ درصد (۱۱ نفر) سایر دروس از جمله ریشه‌های انقلاب اسلامی و ... را دارند. مرتبه علمی ۵۷ درصد (۳۱ نفر) مربی، ۳۲ درصد (۱۷ نفر) استادیار، هفت درصد (۴ نفر) دانشیار و چهار درصد (۲ نفر) استاد است.

جدول ۲: اولویت‌بندی راهکارهای اسلامی شدن دانشگاهها بر اساس دیدگاه استادان

رتبه	میانگین	نمره	راهکارها
۷/۵	۳/۹۶	۲۱۴	تبیین و اجماع بر روی شاخصهای یک دانشگاه اسلامی بین اندیشمندان
۷/۵	۳/۹۶	۲۱۴	بازسازی بنیادین نظام آموزشی و پژوهشی مناسب با ارزشهای مذهبی جامعه
۱۳	۳/۵۹	۱۹۴	تفکیک جنسیتی دانشگاهها
۱	۴/۱۵	۲۲۴	تأمین، تربیت و به کارگیری مدیران متعهد و دارای حساسیت ایمانی مطلوب برای اداره دانشگاهها
۱۴	۳/۲۲	۱۷۴	الزامی شدن رعایت موازین اسلامی در دانشگاهها و حمایت از ارزشهای دینی و معنوی
۵/۵	۳/۹۸	۲۱۵	تجدید نظر در معیارهای جذب و گزینش دقیق و سازمان‌یافته اعضای هیئت علمی
۲/۵	۴/۰۲	۲۱۷	بازسازی نظام فرهنگی دانشگاهها متناسب با ارزشهای اسلامی جامعه
۱۲	۳/۶۷	۱۹۸	بومی‌سازی علوم انسانی در دانشگاهها
۲/۵	۴/۰۲	۲۱۷	احیای سنت الهی بحث آزاد و ایجاد فضای سالم و امن برای طرح مباحث فرهنگی، اجتماعی و سیاسی
۱۱	۳/۸۹	۲۱۰	تعامل نخبگان حوزوی - دانشگاهی در طراحی زیرساختهای مناسب برای بازسازی علوم انسانی
۱۰	۳/۹۳	۲۱۲	ارتقای بینش سیاسی و اجتماعی دانشجویان
۱۵	۳/۰۷	۱۶۶	افزایش واحدهای درسی مربوط به دروس معارف اسلامی در مقاطع تحصیلی دانشگاهها
۵/۵	۳/۹۸	۲۱۵	ارتقای بینش سیاسی و اجتماعی اعضای هیئت علمی دانشگاهها
۴	۴	۲۱۶	توسعه استقلال فکری و خودباوری علمی اندیشمندان و دانشگاهیان
۹	۳/۹۴	۲۱۳	تدوین متون برنامه‌های درسی بر اساس مبانی اسلامی به ویژه در علوم انسانی

راهکارهای اسلامی شدن دانشگاهها و اولویت‌بندی آنها با رویکردی ... ♦ ۱۳۱

اطلاعات جدول ۲، اولویت‌بندی راهکارهای اسلامی شدن دانشگاهها را بر اساس دیدگاه استادان دانشگاه آزاد اسلامی نشان می‌دهد. چنان‌که ملاحظه می‌شود، «تأمین و تربیت و به کارگیری مدیران متعهد و دارای حساسیت ایمانی مطلوب برای اداره دانشگاهها» با نمره ۲۲۴ و میانگین ۴/۱۵ در جایگاه اول، «بازسازی نظام فرهنگی دانشگاهها متناسب با ارزشهای اسلامی» به همراه «احیای سنت الهی بحث آزاد و ایجاد فضای سالم و امن برای طرح مباحث فرهنگی، اجتماعی و سیاسی» با کسب نمره ۲۱۷ و میانگین ۴/۰۲ به طور مشترک در جایگاه دوم و «توسعه استقلال فکری و خودباوری علمی اندیشمندان و دانشگاهیان» با نمره ۲۱۶ و میانگین ۳/۹۸ در جایگاه سوم قرار گرفته است. همچنین، «تجدید نظر در معیارهای جذب و گزینش دقیق و سازمان‌یافته استادان» و «ارتقای بینش سیاسی و اجتماعی اعضای هیئت علمی» به صورت مشترک و با کسب نمره ۲۱۵، میانگین ۳/۹۸ و رتبه ۵/۵ در جایگاه چهارم؛ «تبيين و ایجاد اجماع بر روی شاخصهای دانشگاه اسلامی بین اندیشمندان» به همراه «بازسازی بنیادین نظام آموزشی و پژوهشی مناسب با ارزشهای مذهبی جامعه» با نمره ۲۱۴، میانگین ۳/۹۶ و رتبه ۷/۵ در مرتبه پنجم؛ «تدوین متون برنامه‌های درسی بر اساس مبانی اسلامی به ویژه در علوم انسانی» با نمره ۲۱۳، میانگین ۳/۹۴ و رتبه ۹ در جایگاه ششم؛ «ارتقای بینش سیاسی و اجتماعی دانشجویان» با نمره ۲۱۲، میانگین ۳/۹۳ و رتبه ۱۰ در جایگاه هفتم؛ «تعامل نخبگان حوزه و دانشگاه در طراحی زیرساختهای مناسب برای بازسازی علوم انسانی» با نمره ۲۱۰، میانگین ۳/۸۹ و رتبه ۱۱ در جایگاه هشتم؛ «بومی‌سازی علوم انسانی در دانشگاهها» با نمره ۱۹۸، میانگین ۳/۶۷ و رتبه ۱۲ در جایگاه نهم؛ «تفکیک جنسیتی دانشگاهها و حمایت از ارزشهای مذهبی جامعه» با نمره ۱۷۴، میانگین ۳/۲۲ و رتبه ۱۴ در جایگاه یازدهم و «افزایش واحدهای درسی مربوط به معارف اسلامی در مقاطع تحصیلی دانشگاهی» با نمره ۱۶۶، میانگین ۳/۰۷ و رتبه ۱۵ در جایگاه دوازدهم قرار گرفت به عبارت دیگر؛ از نظر استادان، تأمین، تربیت و به کارگیری مدیران متعهد و دارای حساسیت ایمانی مطلوب برای اداره دانشگاهها، به عنوان مؤثرترین راهکار و افزایش واحدهای درسی مربوط به معارف اسلامی در مقاطع تحصیلی دانشگاهها، به عنوان کم‌اثرترین راهکار برای اسلامی شدن دانشگاهها شناخته شد.

۱۳۲ ♦ فصلنامه معرفت در دانشگاه اسلامی / ۴۶ / سال پانزدهم، شماره ۱ / بهار ۱۳۹۰

جدول ۳: رتبه‌بندی راهکارهای اسلامی شدن دانشگاهها به تفکیک دیدگاه استادان دروس معارف اسلامی و سایر دروس

D ²	اختلاف رتبه‌ها D	اساتید سایر دروس			اساتید دروس معارف اسلامی			راهکارها
		رتبه	میانگین	نمره	رتبه	میانگین	نمره	
۴۲/۲۵	-۶/۵	۱۰	۳/۲۱	۷۷	۳/۵	۴/۵۷	۱۳۷	تبیین و اجماع بر روی شاخصهای یک دانشگاه اسلامی بین اندیشمندان
۸۱	-۹	۱۱	۳/۱۷	۷۶	۲	۴/۶	۱۳۸	بازسازی بنیادین نظام آموزشی و پژوهشی مناسب با ارزشهای مذهبی جامعه
۰	۰	۱۳	۳/۰۴	۷۳	۱۳	۴/۰۲	۱۲۱	تفکیک جنسیتی دانشگاهها
۲/۲۵	-۱/۵	۲/۵	۳/۵۴	۸۵	۱	۴/۶۳	۱۳۹	تأمین، تربیت و به کارگیری مدیران متعهد و دارای حساسیت ایمانی مطلوب برای اداره دانشگاهها
۴۲/۲۵	-۶/۵	۸/۵	۳/۳۳	۸۰	۱۵	۳/۱۳	۹۴	الزامی شدن رعایت موازین اسلامی در دانشگاهها و حمایت از ارزشهای دینی و معنوی
۰/۲۵	۰/۵	۶/۵	۳/۳۷	۸۱	۷	۴/۴۷	۱۳۴	تجدید نظر در معیارهای جذب و گزینش دقیق و سازمان‌یافته اعضای هیئت علمی
۲۵	-۵	۸/۵	۳/۳۳	۸۰	۳/۵	۴/۵۷	۱۳۷	بازسازی نظام فرهنگی دانشگاهها متناسب با ارزشهای اسلامی جامعه
۲۰/۲۵	-۴/۵	۱۴	۲/۷۵	۶۶	۹/۵	۴/۴۲	۱۳۲	بومی‌سازی علوم انسانی در دانشگاهها
۴۹	۷	۲/۵	۳/۵۴	۸۵	۹/۵	۴/۴۲	۱۳۲	احیای سنت الهی بحث آزاد و ایجاد فضای سالم و امن برای طرح مباحث فرهنگی - اجتماعی و سیاسی
۴۹	-۷	۱۲	۳/۰۸	۷۴	۵	۴/۵۳	۱۳۶	تعامل نخبگان حوزوی - دانشگاهی در طراحی زیرساختهای مناسب برای بازسازی علوم انسانی
۱۲۱	۱۱	۱	۳/۶۳	۸۷	۱۲	۴/۱۷	۱۲۵	ارتقای بینش سیاسی و اجتماعی دانشجویان
۱	-۱	۱۵	۲/۵	۶۰	۱۴	۳/۵۳	۱۰۶	افزایش واحدهای درسی مربوط به دروس معارف اسلامی در مقاطع تحصیلی دانشگاهها
۱۲/۲۵	۳/۵	۴/۵	۳/۴۲	۸۲	۸	۴/۴۴	۱۳۳	ارتقای بینش سیاسی و اجتماعی اعضای هیئت علمی دانشگاهها
۰/۲۵	-۵	۶/۵	۳/۳۷	۸۱	۶	۴/۵	۱۳۵	توسعه استقلال فکری و خودباوری علمی اندیشمندان و دانشگاهیان
۴۲/۲۵	۶/۵	۴/۵	۳/۴۲	۸۲	۱۱	۴/۳۷	۱۳۱	تدوین متون برنامه‌های درسی بر اساس مبانی اسلامی، به ویژه در علوم انسانی

راهکارهای اسلامی شدن دانشگاهها و اولویت بندی آنها با رویکردی ... ♦ ۱۳۳

$$\sum d^2 = 488 \quad df = 13 \quad r_s = 0.128 \quad t_{\alpha}(0.01) = 2.650 \quad T = 0.465$$

تجزیه و تحلیل داده‌های جدول ۳ برای مقایسه رتبه بندی استادان دروس معارف اسلامی با استادان سایر رشته‌های دانشگاهی بر اساس آزمون همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن نشان می‌دهد که بین رتبه‌های دو گروه، همبستگی در حد ۰/۱۲۸ هست که از همبستگی جدول در سطح اطمینان ۰/۹۵ و درجه آزادی ۱۳ (۰/۵۰۶) کمتر بوده و معنی دار نیست. از طرف دیگر، مطابق آزمون T، چون T محاسبه شده (۰/۴۶۵) از T جدول مقابل درجه آزادی ۱۳ و سطح اطمینان ۰/۹۹ و $\alpha = 0/01$ (650/2) کوچک تر است، لذا با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان نتیجه گرفت که بین رتبه بندی دو گروه مذکور، رابطه معنی داری وجود ندارد. هر چند بررسی رتبه بندی‌ها بیانگر توافق هر دو گروه روی تفکیک جنسیتی دانشگاهها به عنوان اولویت سیزدهم است.

جدول ۴. مقایسه رتبه بندی استادان دروس معارف اسلامی و استادان سایر رشته‌های علوم انسانی

شماره راهکار	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
رتبه بندی استادان دروس معارف اسلامی	۳/۵	۲	۱۳	۱	۱۵	۷	۳/۵	۹/۵	۹/۵	۵	۱۲	۱۴	۸	۶	۱۱
رتبه بندی استادان سایر رشته‌های علوم انسانی	۸/۵	۱۱	۱۲	۱	۱۴	۱۰	۸/۵	۷	۳	۱۳	۶	۱۵	۴	۲	۵
D	-۵	-۹	۱	۰	۱	-۳	-۵	۲/۵	۶/۵	-۸	۶	-۱	۴	۴	۶
D ²	۲۵	۸۱	۱	۰	۱	۹	۲۵	۶/۲۵	۴۲/۲۵	۶۴	۳۶	۱	۱۶	۱۶	۳۶

$$\sum d^2 = 359.5 \quad r_s = 0.358 \quad T = 1.382 \quad df = 13 \quad \alpha\left(\frac{0}{01}\right) = 2.650$$

تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به مقایسه رتبه بندی استادان معارف اسلامی و استادان سایر رشته‌های علوم انسانی نشان می‌دهد بر اساس آزمون همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن براون، همبستگی محاسبه شده بین رتبه‌های دو گروه (۰/۳۵۸) از همبستگی جدول مقابل درجه آزادی تعیین شده در سطح اطمینان ۰/۹۵ (۰/۵۰۶) کمتر است و بنابر این، رابطه معنی دار نیست. همچنین آزمون T نشان می‌دهد چون T محاسبه شده (۱/۳۸۲) از T جدول مقابل درجه آزادی ۱۳ و سطح اطمینان ۰/۹۹ و $\alpha = 0/01$ (650/2) کوچک تر است، پس با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان نتیجه گرفت که بین رتبه بندی استادان دروس معارف اسلامی و سایر رشته‌های علوم انسانی، رابطه

۱۳۴ ♦ فصلنامه معرفت در دانشگاه اسلامی ۴۶ / سال پانزدهم، شماره ۱ / بهار ۱۳۹۰

معنی‌داری وجود ندارد؛ با وجود اینکه هر دو گروه، تأمین و تربیت و به کارگیری مدیران متعهد و دارای حساسیت ایمانی مطلوب را برای اداره دانشگاهها به عنوان مناسب‌ترین راهبرد انتخاب کرده‌اند.

جدول ۵: مقایسه رتبه‌بندی استادان رشته‌های علوم انسانی و علوم پایه

شماره راهکار	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
رتبه‌بندی علوم انسانی	۸/۵	۱۱	۱۲	۱	۱۴	۱۰	۸/۵	۷	۳	۱۳	۶	۱۵	۴	۲	۵
رتبه‌بندی علوم پایه	۱۰/۵	۴/۵	۷/۵	۱۰/۵	۲	۴/۵	۱	۱۴/۵	۴/۵	۱۰/۵	۷/۵	۱۴/۵	۴/۵	۱۳	۱۰/۵
D	-۲	۶/۵	۴/۵	-۹/۵	۱۲	۵/۵	۷/۵	-۷/۵	-۱/۵	۲/۵	-۱/۵	۰/۵	-۰/۵	-۱۱	-۵/۵
D ²	۴	۴۲/۲۵	۲۰/۲۵	۹۰/۲۵	۱۴۴	۳۰/۲۵	۵۶/۲۵	۵۶/۲۵	۲/۲۵	۶/۲۵	۲/۲۵	۰/۲۵	۰/۲۵	۱۲۱	۳۰/۲۵

$$\Sigma d^2 = 606 \quad r_s = -0.082 \quad T = -0.296 \quad df = 13 \quad t_{\alpha} = (0.01) = 2.650$$

تجزیه و تحلیل رتبه‌بندی استادان علوم انسانی و علوم پایه نشان می‌دهد بر اساس آزمون همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن، بین رتبه‌بندی دو گروه؛ اولاً، رابطه منفی و معکوس وجود دارد و ثانیاً، میزان این رابطه معنی‌دار نیست. از طرف دیگر، بر اساس آزمون T، چون T محاسبه‌شده (-۰/۲۹۶) از T جدول در مقابل درجه آزادی ۱۳ و اطمینان ۰/۹۹ و ۰/۰۱ (650/2) α کوچک‌تر است، پس با اطمینان ۰/۹۹ می‌توان نتیجه گرفت که بین رتبه‌بندی استادان گروه علوم پایه و انسانی، رابطه معنی‌دار وجود ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

تأمین و تربیت و به کارگیری مدیران متعهد و حساس به مبانی دینی برای اداره دانشگاهها به عنوان مهم‌ترین و اولویت‌دارترین راهکار شناخته شد. این مسئله با یافته‌های مروّتی (۱۳۷۶)، باقرآبادی (۱۳۷۶) و زراعت (۱۳۷۶) مبنی بر وارد کردن نیروهای مسلمان، معتقد و انقلابی به پیکره فکری و مدیریتی دانشگاهها به عنوان یک برنامه زودبازده و کوتاه‌مدت و دقت در انتخاب و گزینش رؤسا، سازگاری دارد و مبین این است که تا مسئله اسلامی کردن دانشگاهها به یک باور درونی و ایمانی در نزد مسئولان آموزش عالی و مدیران دانشگاهها تبدیل نشود، نمی‌توان به تحقق کامل آن امید داشت.

همچنین، بازسازی نظام فرهنگی دانشگاهها متناسب با ارزشهای اسلامی و زمینه‌سازی برای طرح مباحث فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در یک فضای سالم و امن از طریق احیای سنت بحث آزاد در محیط دانشگاهها، علاوه بر سازگاری با روح حاکم بر دانشگاهها به عنوان محیطی آزاد و مستقل، با یافته‌های

راهکارهای اسلامی شدن دانشگاهها و اولویت‌بندی آنها با رویکردی ... ♦ ۱۳۵

مروّتی (۱۳۷۶) و خادمی (۱۳۸۱) در تأکید بر برنامه‌ریزی فرهنگی و ضرورت نهادینه کردن ارزشها و ایجاد مصونیت فرهنگی و ایمن‌سازی محیط آن و لزوم اجرای برنامه‌های فرهنگی به منظور تبیین دقیق موضوع و ضرورت تغییر بنیادی در همه ابعاد دانشگاه با مسئولیت‌پذیری ملت و دولت توافق دارد.

همچنین برنامه‌ریزی بلندمدت برای نهادینه شدن استقلال فکری و ارتقای خودباوری علمی اندیشمندان و دانشگاهیان و بهره‌گیری از پتانسیل عظیم انسانی حوزه‌ها و دانشگاهها و تأسی جستن از آموزه‌های فرهنگ دینی، علاوه بر تقویت امیدهای بیشتر برای تحول‌آفرینی، زمینه‌ساز خروج از مصرف‌گرایی صرف تولیدات علمی و بدل شدن به تولیدکننده و صادرکننده فکر و اندیشه را در پی خواهد داشت و به یقین، ارتقای بینش سیاسی و اجتماعی آنان، علاوه بر تقویت مسئولیت‌پذیری و استفاده از نقش خودالگویی، تعالی‌بخش فرهنگ اسلامی در محیط‌های علمی و دانشگاهی خواهد بود که با یافته‌های تقوی مقدم (۱۳۷۶) در تأکید بر تربیت استاد برای تأثیر سریع و همه‌جانبه و مروّتی (۱۳۷۶) در تأکید بر تربیت اعضای هیئت علمی متعهد در قالب برنامه‌های بلندمدت به عنوان رکن اصلی تولید دانش و توسعه جامعه و الگوی رفتاری مناسب برای تغییرات رفتاری عناصر، به ویژه دانشجویان، توافق کامل دارد. تحقق این مهم، مستلزم بهره‌گیری از شاخصها و معیارهای اصولی و منطقی برای گزینش دقیق و نظام‌یافته اصلی‌ترین عناصر؛ یعنی اعضای هیئت علمی و استادان دانشگاهی است که مورد نظر مروّتی (۱۳۷۶) در گزینش دقیق و بسامان برای وارد کردن نیروهای مسلمان نیز است.

از طرف دیگر، بیان کردن صریح و شفاف معیارهای دانشگاه اسلامی که نقش الگو را در طراحی نظامهای آموزشی ایفا می‌کند، نه تنها حرکت را عملی‌تر و جهت‌دارتر می‌نمایاند، بلکه امکان اشتراک فکری و اجماع عقاید را نیز نزدیک می‌کند؛ موضوعی که در یافته‌های خان‌محمدی (۱۳۸۵) چنین آمده است: با وجود تدوین مقالات مختلف و تعریف مفهوم اسلامی کردن و تبیین شاخصهای آن از منظرهای مختلف، هنوز بر سر شاخصهای اسلامی شدن اجماع حاصل نشده است و مدیریت واحدی نیز وجود ندارد و فعالیتهای موازی انجام می‌شود. همچنین در یافته‌های مقیسه (۱۳۸۶)، وجود ابهام درباره ارزشها و حدود وظایف فقهی و حقوقی تصریح شده و در یافته‌های دژاکام (۱۳۸۲) تحت عنوان فقدان تلفی واحدی از دانشگاه اسلامی که مانع شکل‌گیری دانشگاه اسلامی است، رخ نشان داده است.

عیوضی (۱۳۸۱)، دانشگاه اسلامی را مرکز پژوهش و آموزش علم نافع در راستای تهذیب می‌داند. بنابر این، بازسازی بنیادین نظام آموزشی و پژوهشی متناسب با ارزشهای اجتماعی و مذهبی جامعه از طریق مطالعه عمیق و مهندسی مجدد ساختار، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است که با تأکیدهای مروّتی (۱۳۷۶) و

۱۳۶ ♦ فصلنامه معرفت در دانشگاه اسلامی ۴۶ / سال پانزدهم، شماره ۱ / بهار ۱۳۹۰

زراعت (۱۳۷۶) مبنی بر اقدام در تغییر ساختار آموزشی و پژوهشی و حتی اداری به صورت یک برنامه کوتاه مدت، ایجاد فرهنگ اخلاص و تحصیل برای خدا، پرهیز از مدرک گرایی و تلاش در کسب دانش در حد اعلای رشته تخصصی و دوری از مصرف گرایی صرف، سازگاری دارد.

از مهم ترین عناصر و اجزای نظام های آموزشی، داشتن محتوای درسی مناسب با شرایط مخاطبان و نیازهای موجود برای تحقق وضع مطلوب است و محتوای برنامه های درسی، حتی هویت ملی یک کشور را می رساند و ابرمهارت هایی مانند حل مسئله، کارآفرینی در برنامه های درسی مراکز آموزشی وارد شده است و تغییر نگاه از مکانیکی به ارگانیکی در مورد انسان نیز از طریق برنامه درسی قابل تحقق است. لذا از بنیادی ترین فعالیتها برای اسلامی شدن دانشگاهها، تدوین محتوای درسی بر اساس مبانی دینی، به خصوص در علوم انسانی است که یافته های زراعت (۱۳۷۶) در تأکید بر مراقبت جدی از ارائه مطالب باطل از روی عمد یا سهو به دانشجویان و پیشنهاد نظارت هیئتی از متخصصان و کارشناسان بر جزوات درسی، مؤید آن است و این کار می تواند در ارتقای پیش سیاسی، اجتماعی دانشجویان نیز مؤثر واقع شود و مکمل فعالیت های کوتاه مدت از جمله برگزاری همایشها، سمینارها و نشست های فرهنگی مذهبی باشد.

همان طور که بهداروند (۱۳۸۴) معتقد است، یکی از عوامل کارساز در روند اسلامی شدن دانشگاهها، اطلاع رسانی صحیح همراه با تهییج و تحریک انگیزه های پاک عناصر سه گانه دانشجو، استاد و مدیر از طریق تبلیغ اثرگذار است. بنابر این، آسیب شناسی و تشخیص درست علل مشکلات، کمک بزرگی در درمان و ارائه راه حل برای برطرف شدن بنیادین است. تعامل عملی و نه شعاری نخبگان حوزه و دانشگاه و همکاری در طراحی و تدوین زیرساخت های مناسب برای بازسازی علوم انسانی و بومی شدن آن می تواند در تحقق دانشگاه اسلامی نقش اساسی ایفا کند که با یافته های زراعت (۱۳۷۶) همسویی دارد که وحدت حوزه و دانشگاه را گام مهمی در اسلامی شدن دانشگاهها دانسته است و تأییدی بر بیان علی احمدی (۱۳۸۱) است که معتقد است اکتفا به ظواهر دینی، پرداختن صرف به تهذیب، گرداندن مساجد و غفلت از آموزش عمیق و تخصصی دین در دانشگاهها، از عوامل اصلی عدم موفقیت ستاد انقلاب فرهنگی در تحقق اهدافش است.

بومی سازی علوم انسانی نیازمند تعامل نخبگان است و باید جدی گرفته شود؛ امری که برای تحقق دانشگاه اسلامی بارها مورد تأکید رهبری معظم انقلاب قرار گرفته است که: «علوم انسانی اهمیت دارد، علوم انسانی کنونی در کشور بومی نیست، متعلق به ما نیست، ناظر به نیازهای ما نیست، متکی به فلسفه ما نیست، متکی به معارف ما نیست، اصلاً ناظر به مسائل دیگری است، مسائل ما را حل نمی کند. دیگرانی طرح مسئله کردند، برای خودشان حل کردند... و باید رویکرد اسلامی را مطرح کنیم». (مؤسسه آموزشی عالی علوم انسانی، ۱۳۸۹، روی جلد)

راهکارهای اسلامی شدن دانشگاهها و اولویت‌بندی آنها با رویکردی ... ♦ ۱۳۷

از دیگر مباحث اسلامی شدن دانشگاهها، تفکیک جنسیتی دانشجویان و دانشگاههاست که به صورت مختلف از جمله: تفکیک کلاسها، تفکیک برنامه‌های درسی دانشجویان دختر و پسر در ایام هفته، جداسازی فیزیکی ساختمانها و برنامه‌ریزی و اولویت برای صدور مجوز ایجاد دانشگاههای تک‌جنسیتی مطرح شده است که با وجود همسویی با یافته‌های باقرآبادی (۱۳۷۶) مبنی بر فراهم کردن زمینه تفکیک کلاسهای دانشجویان دختر و پسر با توجه به شرایط خاص و حساس دوران جوانی و نداشتن بازده و نتیجه سالم اختلاط دانشجویان، ظاهراً به عنوان یک راهکار کاملاً مؤثر در دیدگاه استادان دیده نشده است و شاید گویای این تلقی است که تحکیم باورهای دینی دانشجویان و مسلح شدن آنان به دانشهای بنیادین دینی و متصف شدن به ارزشهای اصیل اسلامی و تجلی نمادین آن در قالب پوشش، رفتار و ارتباطات، نیاز به مرزهای فیزیکی را می‌کاهد. البته راهکار مذکور تا تحقق ایده‌آلهای بلندمدت، می‌تواند بخشی از مسائل را حل کند و حداقل در شکل‌گیری مظاهر اسلامی در محیط دانشگاه مفید باشد. یقیناً الزامی شدن رعایت موازین و ارزشهای اسلامی و حمایت از ارزشهای دینی و معنوی و احیاناً برخورد قهری با متخلفان نیز تا حدودی برای داشتن دانشگاه با ظاهری (چهره‌ای) که با دیدن آن ارزشهای اسلامی به ذهن تداعی شود (زراعت، ۱۳۷۶) و اینکه دانشگاههای کشور باید فریضه نماز را به عنوان پایه دین هر شخص دیندار جدی بگیرند و اگر در دانشگاهها، نمازخانه نباشد، تمام سرمایه‌هایی که صرف تربیت اسلامی می‌شود، بیهوده خواهد بود و پوشش حجاب اسلامی باید جدی گرفته شود و سعی شود که با فراهم آوردن تمهیداتی، دانشجویان در حد معقول و متعارف این فریضه اسلامی را در نحوه پوشش خود نمایان کنند، هماهنگی منطقی دارد؛ هر چند استادان با کم‌رنگ نشان دادن اولویت این راهکار، به نظر تأکید داشتند که برنامه‌ریزی برای توسعه جامع لایه‌های بنیادین، ارزشی و نمادین به صورت همزمان، راهکاری راهبردی برای اسلامی شدن است.

در این مطالعه، افزایش واحدهای درسی مربوط به معارف اسلامی در دانشگاهها، راهکار مطلوبی برای اسلامی شدن دانشگاهها شناخته نشده و در اولویت آخر قرار گرفته است که به نظر، تأکیدی بر وجود دانشهای بنیادین دینی در دروس طراحی شده دارد.

یافته‌ها

۱. از دیدگاه استادان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، عملی‌ترین راهکار برای اسلامی شدن دانشگاهها، سپردن مسئولیت به مدیران متدین، متعهد و دارای حساسیت دینی مطلوب در مراکز آموزشی عالی

۱۳۸ ♦ فصلنامه معرفت در دانشگاه اسلامی ۴۶ / سال پانزدهم، شماره ۱ / بهار ۱۳۹۰

- است و یقیناً تحقق این مهم، مستلزم تأمین و تربیت مدیران در یک فرایند بلندمدت و انتخاب و انتصاب دقیق مبتنی بر معیارهای اصولی مدیران دانشگاهها در کوتاهمدت است.
۲. بازسازی نظام فرهنگی دانشگاهها متناسب با ارزشهای اسلامی و زمینه‌سازی برای طرح مباحث فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در یک فضای سالم و امن از طریق احیای سنت الهی بحث آزاد، از راهکارهای مؤثر و اولویت‌دار، مورد تأکید استادان قرار گرفت.
۳. ارتقای استقلال فکری و خودباوری علمی اندیشمندان و دانشگاهیان برای حفظ و رشد ارزشهای استادان و خودکنترلی آنان و زمینه‌سازی برای ایجاد دانشگاه با ویژگی‌های متمایز آزادگی علمی، ثبات شغلی و استقلال، راهکار مناسبی برای تحقق دانشگاه اسلامی است.
۴. از دیگر راهکارهای مؤثر از نظر استادان، ارتقای بینش سیاسی، اجتماعی استادان دانشگاهها و افزایش مسئولیت‌پذیری و بهره‌گیری از نقش الگویی خود در توسعه درون‌زای فرایند اسلامی شدن و تجدید نظر در معیارهای گزینش و استخدام استادان و دقت در اعمال سازمان‌یافته آن برای به کارگیری استادان است.
۵. از راهکارهای دیگر برای اسلامی شدن دانشگاهها به ترتیب اهمیت می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:
- الف) تبیین و ایجاد اجماع بر روی شاخصهای یک دانشگاه اسلامی بین اندیشمندان حوزه‌های مختلف؛
- ب) بازسازی بنیادین نظام آموزشی و پژوهشی مناسب با ارزشهای مذهبی جامعه؛
- ج) تدوین متون برنامه‌های درسی بر اساس مبانی دینی به ویژه در علوم انسانی؛
- د) ارتقای بینش سیاسی - اجتماعی دانشجویان؛
- ه) تعامل عملی نخبگان حوزه و دانشگاه در راستای طراحی زیرساختهای لازم؛
- و) بومی‌سازی علوم انسانی در دانشگاهها؛
- ز) تفکیک جنسیتی دانشگاهها و دانشجویان؛
- ح) الزامی شدن رعایت موازین اسلامی و حمایت از ارزشهای معنوی در دانشگاهها؛
- ط) افزایش واحدهای درسی مربوط به معارف اسلامی در دانشگاهها.
۱. تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد بین رتبه‌بندی استادان معارف اسلامی و سایر استادان رشته‌های دانشگاهی رابطه معنی‌داری وجود ندارد.
۲. بین رتبه‌بندی استادان معارف اسلامی و رشته‌های علوم انسانی در مورد راهکارها رابطه معنی‌دار دیده نشد.

راهکارهای اسلامی شدن دانشگاهها و اولویت‌بندی آنها با رویکردی ... ♦ ۱۳۹

۳. همبستگی بین رتبه‌بندی استادان علوم انسانی و علوم پایه در مورد راهکارها معنی‌دار نیست.

پیشنهادها

۱. برای عملی شدن دانشگاه اسلامی، انجام تحقیقات گسترده و میدانی با مشارکت اندیشمندان و صاحب‌نظران حوزوی و دانشگاهی و نخبگان جامعه، نه تنها موجب شکل‌گیری خلاقیت‌های جدید، بلکه زمینه‌ساز دسترسی به راهکارهای مناسب‌تر و افزایش انگیزش اجرایی در بین ارکان اصلی دانشگاه (مدیران، استادان، کارکنان و دانشجویان) می‌شود.
۲. با توجه به مطالعات اسنادی متنوع و متعدد که اغلب مبتنی بر دیدگاه‌های نظری موجود در ایجاد دانشگاه اسلامی است، به نظر می‌رسد برای جامعیت و عینیت بیشتر و تبدیل آنها به اندیشه‌های کاربردی و عملی، پیمایش اجتماعی ضرورت اجتناب‌ناپذیر است.
۳. با وجود جمع‌بندی راهکارهای مختلف مطابق تحلیلهای صاحب‌نظران و متخصصان، به نظر می‌رسد اجماع کامل بین اندیشمندان حوزه‌های مختلف علمی، به خصوص استادان دروس حوزوی، استادان علوم انسانی، مدرّسان علوم پایه و... در خصوص چگونگی فرایند عملیاتی شدن مسئله وجود ندارد و بسیاری از استادان هنوز به حل مسئله اعتقاد راسخ ندارند. بنابر این، به نظر می‌رسد مسئله اسلامی شدن باید به یک فرهنگ عمومی و تلقی اسلامی شدن دانشگاهها به عنوان وظیفه انحصاری سازمان یا نهادی خاص، به یک ارزش اجتماعی مبدل شود.
۴. برنامه‌ریزی برای ارائه آموزشهای تقویتی (جبرانی) تخصصی برای آشنا کردن استادان با مبانی دینی به ویژه برای احساس ارزشمند بودن پرداختن به مسئله تحقیق و پررنگ شدن نقش الگویی آن در بین استادان رشته‌های علوم پایه، پزشکی، فنی و مهندسی بسان آموزش دروس تربیتی، به نظر یک ضرورت است.
۵. تعامل با استادان در راستای هم‌اندیشی برای ایجاد فضای معنوی و مؤثر در محیط‌های علمی و درسی در حین فرایند آموزش و حتی تفویض مسئولیتهای مربوط به تیمهای علمی، می‌تواند در همه گیر شدن مسئله مفید باشد.

۱۴۰ ♦ فصلنامه معرفت در دانشگاه اسلامی ۴۶ / سال پانزدهم، شماره ۱ / بهار ۱۳۹۰

منابع

- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۲)؛ «راهکارهایی برای اسلامی شدن دانشگاهها»، فصلنامه دانشگاه اسلامی، ش ۱۹-۱۸، ص ۴۴-۲۱.
- باقرآبادی، فرامرز (۱۳۷۶)؛ «راهکارهای علمی اسلامی کردن دانشگاهها»، فصلنامه دانشگاه اسلامی، سال اول، ش ۲، ص ۷۳-۶۲.
- بانشی، زینب (۱۳۸۹)؛ راهکارهای اسلامی شدن دانشگاهها از دیدگاه استادان دروس معارف اسلامی دانشگاههای قم، پایان‌نامه کارشناسی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه قم.
- بهداروند، محمدمهدی (۱۳۸۴)؛ «راهکارهای اسلامی شدن دانشگاهها»، فصلنامه دانشگاه اسلامی، سال نهم، ش ۲۷، ص ۸۸-۵۹.
- پورعزت، علی‌اصغر؛ حمزه خواستار، غزاله طاهری عطار، محمدمهدی فراچی و عباس نرگسیان (۱۳۸۷)؛ «الگوی مطلوب طراحی دانشگاهها و مؤسسات آموزشی عالی ایران در عصر جهانی شدن»، فصلنامه دانشگاه اسلامی، سال دوازدهم، ش ۴۰، ص ۲۲-۳.
- تقوی مقدم، مصطفی (۱۳۷۶)؛ «اولویت‌گذاری در برنامه‌های کوتاه‌مدت اسلامی کردن دانشگاهها»، فصلنامه دانشگاه اسلامی، سال اول، ش ۱، ص ۴۸-۳۶.
- خادمی، عین‌الله (۱۳۸۱)؛ «نقش دانشجویان در اسلامی شدن دانشگاهها»، فصلنامه دانشگاه اسلامی، سال ششم، ش ۱۵، ص ۹۳-۷۹.
- خان‌محمدی، کریم (۱۳۸۵)؛ «فرایند اسلامی کردن دانشگاهها در ایران (با رویکرد سیاستگذاری فرهنگی)»، فصلنامه دانشگاه اسلامی، سال دهم، ش ۳۲-۳۱، ص ۱۲۲-۸۱.
- دژاکام، علی (۱۳۸۲)؛ «برداشت‌های گوناگون از دانشگاه اسلامی»، فصلنامه دانشگاه اسلامی، سال هفتم، ش ۱۷، ص ۶۲-۴۹.
- زراعت، عباس (۱۳۷۶)؛ «راههای اسلامی کردن دانشگاهها»، فصلنامه دانشگاه اسلامی، سال اول، ش ۱، ص ۶۴-۵۱.

راهکارهای اسلامی شدن دانشگاهها و اولویت‌بندی آنها با رویکردی ... ♦ ۱۴۱

- سعدی، محمدجواد (۱۳۷۷)؛ «اقدامی اصولی در اسلامی کردن دانشگاهها»، فصلنامه دانشگاه اسلامی، سال هفتم، ش ۶، ص ۳۷-۴۸.
- عطارزاده، مجتبی (۱۳۸۷)؛ «دانشگاه و نوآوری؛ کارکرد و آسیب‌شناسی»، فصلنامه دانشگاه اسلامی، ش ۴۰، ص ۲۳-۴۲.
- علم‌الهدی، احمد (۱۳۸۲)؛ «اسلامی شدن دانشگاهها»، فصلنامه دانشگاه اسلامی، سال هفتم، ش ۱۷، ص ۲۱-۲۹.
- علی‌احمدی، حسین (۱۳۸۱)؛ «مفهوم و ماهیت دانشگاه اسلامی»، فصلنامه دانشگاه اسلامی، سال ششم، ش ۱۴، ص ۲۳-۳۸.
- عیوضی، علی‌اشرف (۱۳۸۱)؛ «قطره‌ای از دریا، سیری در اندیشه‌های امام خمینی (ره) درباره دانشگاه اسلامی»، فصلنامه دانشگاه اسلامی، سال ششم، ش ۱۴، ص ۱۳-۲۲.
- قمی، محسن (۱۳۸۱)؛ «نقش دانشگاه در ارتقای فرهنگ دینی»، فصلنامه دانشگاه اسلامی، سال ششم، ش ۱۴، ص ۲۰۱-۲۱۱.
- قورچیان، نادرقلی؛ حمیدرضا آراسته و پریش جعفری (۱۳۸۳)؛ «دایره‌المعارف آموزش عالی، جلد اول، تهران، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری».
- کاشانی، مجید (۱۳۸۴)؛ «تحلیل راهکارهای مصوب آموزش عالی برای تحقق فضای اسلامی دانشگاهها»، فصلنامه دانشگاه اسلامی، ش ۲۶-۲۵، ص ۱۳-۴۶.
- گروه مطالعات معاونت پژوهشی نهاد رهبری در دانشگاهها (۱۳۷۶)؛ «تحلیلی بر اسلامی کردن دانشگاهها»، فصلنامه دانشگاه اسلامی، سال اول، ش ۱، ص ۹۱-۱۰۴.
- مؤسسه آموزش عالی علوم انسانی (۱۳۸۹)؛ مؤسسه آموزش عالی علوم انسانی در یک نگاه، قم، جامعه المصطفی العالمیه.
- مروّتی، سهراب (۱۳۷۶)؛ «از دانشگاه تا دانشگاه اسلامی»، فصلنامه دانشگاه اسلامی، سال اول، ش ۳، ص ۱۱-۲۴.

۱۴۲ ♦ فصلنامه معرفت در دانشگاه اسلامی ۴۶ / سال پانزدهم، شماره ۱ / بهار ۱۳۹۰

- مقیسه، حسین (۱۳۸۴)؛ «موانع اسلامی شدن دانشگاهها»، فصلنامه دانشگاه اسلامی، سال نهم، ش ۲۷، ص ۸۹-۱۰۱
- نوایی، علی اکبر (۱۳۸۲)؛ «پروژه اسلامی شدن دانشگاهها و راهکارهای آن»، فصلنامه دانشگاه اسلامی، ش ۱۹-۱۸، ص ۴۵-۷۱.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی